

گفت و گو با دکتر محمد مشکات عضو هیات علمی گروه فلسفه

به نام خدا

۱. نظریه چیست؟

پاسخ این پرسش چندان ساده نیست، چنانکه پرسش هایی مانند علم چیست یا فیزیک چیست نیز چنین است. این در حالی است که در کتب فلسفه علم کاربرد هیچ واژه ای به مقدار آن نیست. برای این واژه تعاریف مختلفی می توان یافت. به طور نمونه این واژه گاه به معنای یک حدس اثبات نشده در یک قلمرو علمی، مانند نظریه الکترو مغناطیس، است. در نزد برخی دیگر نظریه بر یک ابزار مفهومی برای مشخص کردن نظام مند رفتار سیستم ها در هنگام تغییر حالت، اطلاق می شود. نظریه در نزد هر یک از استقراء گرایان و ابطال گرایان نیز به گونه ای متفاوت معرفی می شود. برخی نیز نظریه را چونان یک کل ساختاری منتظم تلقی می نمایند. این کل ساختاری است که به مفاهیم مستعمل در آن، معنا می بخشد. شما هیچگاه نمی توانید مفاهیمی از قبیل میدان، اتم، خود آگاه و... را بدون ارائه یک نظریه منسجم و منتظم به روشنی تعریف نمایید. می گویند هنگامی که فارادی برای نخستین بار در دهه چهارم قرن نوزدهم مفهوم میدان برقی را مطرح کرد، این مفهوم بسیار مبهم بود و آن را به کمک تمثیلات مکانیکی و به کار گیری استعاری اصطلاحاتی چون کشش، قدرت و نیرو تشریح می کردند. هر قدر ارتباط بین میدان برقی و دیگر کمیت های برقاطیسی وضوح بیشتری می یافت، مفهوم میدان نیز بهتر تعریف می گشت.

۲. رابطه نظریه و نوآوری چیست؟

به نظر می رسد نظریه ها شتاب نوآوری را بیشتر می سازند، هر چند چنین نیست که بدون نظریه امکان نوآوری منتفی باشد. چنانکه ممکن است یک نوآوری واحد بر مبنای نظریه های رقیب حاصل شود. البته ممکن است ادعا شود که نوآوری کاملاً وابسته به نظریه است چنانکه ممکن است ادعا شود نوآوری ارتباطی به نظریه ندارد اما به نظر می رسد پاسخ نخست موجه تر است. زیرا نظریه می تواند قدرت پیش بینی را بالا برد. بر خلاف تصور عمومی، گالیه آزمایش های اندکی در مکانیک انجام داده بود. بسیاری از آزمایش های وی تخیلی و مشتعل بر تمثیلات و

گفت و گو با دکتر محمد مشکات عضو هیات علمی گروه فلسفه

استعاره های تشریحی بود نه آزمایش های مفصل. این ضمناً شاهد ابطال خوبی بر تجربه گرایانی است که تصور می کنند نظریه ها از مشاهدات تجربی استخراج می شوند.

۳. نظریه پردازی و نوآوری در مجموعه دانش بشری چه جایگاهی دارند؟
بی شک حیات دانش بشری در گرو همین دو امر است.

۴. موقعیت و وضعیت کشور ما در تولید علم و نظریه پردازی را چگونه ارزیابی می کنید؟
منهای علوم انسانی، بحمدالله به برکت شکوفایی نعمت خود باوری که یکی از ثمرات انقلاب اسلامی ایران است، بویژه در یکی دو دهه اخیر، گام های امید بخش و رو به شتابی در جامعه ما برداشته شده و می شود و لیک در حوزه علوم انسانی حرکت، بسیار کند بوده است.

۵. ایراد های نظام آموزش و پژوهش ما کدامند؟
به نظر می رسد یکی از اشکالات مهم، حاکمیت شیوه سنتی آموزش و پرورش است. مقصود از سنتی در اینجا این است که دانش آموز یا دانشجو منفعل است نه فعال، ذهن متعلم در این روش مانند پاکتی به شمار می رود که باید از محتویات مختلف پر شود. (هرچند متاسفانه بر همین مبنا هم مایحتاج ضروری، به وی تعلیم داده نمی شود. یک دیپلمه قرائت قرآن، خط خوش، اطلاعات فرهنگی دینی اخلاقی و بهداشتی لازم را نمی آموزد. در صد بالایی از تحصیل کرده ها در سنین بالا بعد از ابتلا به امراض مختلف می فهمند که تغذیه صحیح، طرز صحیح نشستن بر صندلی، راه رفتن و... چگونه بوده است.) اشکال مهم دیگر این است که هیچ هماهنگی ای بین نیازهای جامعه و تربیت متخصص

گفت و گو با دکتر محمد مشکات عضو هیات علمی گروه فلسفه

وجود ندارد. اشکال مهم دیگر سیطره کمیت گرایی است. آنچه سبب ارتقا و ترفیع استاد است اعداد و شمارگان است نه تولید علم و دانش. از استاد تکمیل جدول ارتقاء را می خواهند که به مدد شمارگان و ارقام کمی میسور می گردد. تمام نیروی استاد مصروف جهش در محور اعداد می شود نه در آفرینش دانش به معنای واقعی. یکی از ثمرات کمیت گرایی و نیز روش انفعالی به جای روش فعال این است که دانشجوی تحصیلات تکمیلی در علوم انسانی غالباً فاقد مساله و سرگردان است.

۶. شما مواع نظریه پردازی تولید علم و نوآوری ما را چه می دانید؟

همه مواردی که در پاسخ پرسش پیش گفته شد در اینجا نیز صادق است. در اینجا به دو نکته اشاره می شود. وقتی ما سال ها است به انتظار نشسته ایم که اساتید کرسی نظریه پردازی ارائه کنند در حالی که همه ساله از وی مقاله برای ترفیع می خواهند و از طرفی برای ارتقا نیز کسب اعداد و ارقام معینی لازم است انصافاً استاد با کدام فرصت می تواند کرسی برگزار کند. پیشنهاد این است که حداقل به موازات موارد لازم در جدول و در عرض آن به صورت جایگزین کامل، امتیاز کرسی از وی برای ارتقا پذیرفته شود تا برخی دل به دریا زده و همه فرصت خود را بر کسب آن امتیاز احتمالی که می تواند امتیاز کل جدول را پوشش دهد و در جهت کرسی متمرکز سازند. و حتی در صورت شکست امتیاز کمتری می توان محاسبه نمود که بخشی از جدول را پوشش دهد. نکته مهم این است که به نظر می رسد بخشی از موانع، حاصل خشک دستی و تنگ نظری در بذل امتیاز است. مانع دیگر کلیشه گرایی است که عامل بد اخلاقی و زشت خویی شده است. برخی آنچنان در کلیشه نام آوران و نظریه های معتاد و رایج گرفتارند که در برابر هرگونه سخن جدید و خارج از دانش متعارف به لرزه افتاده و با بد اخلاقی از صاحب کرسی پذیرایی می کنند.

۷. جایگاه دانشگاه اصفهان در تولید علم، نظریه، نقد علمی و .. در کشور چگونه است؟

آدرس: دانشگاه اصفهان، سازمان مرکزی، معاونت پژوهش و فناوری، مرکز نظریه پردازی، تقد و مناظره تلفن: 37932768 دورنگار: 37932170

گفت و گو با دکتر محمد مشکات
عضو هیات علمی گروه فلسفه

از جهت تلاش مسولان امر برای سوق دادن افراد به این سمت، می توان گفت بخشی از کارهای لازم، یا انجام شده و یا در حال انجام است اما آنچه مهم تر است همراهی بدنه هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی است که باید تمام تلاش ها بر این تمرکز یابد. کرسی های خوبی در دانشگاه اصفهان برگزار شده و می شود، اما باید تلاش کرد تا استقبال از مقدمات این کار، به صورت یک روال و جریان غالب و شایع در آید.

محمد مشکات